



بهیم احمدی، ایران

# می نویسیم

نمایشنامه‌ای صدق نمی‌کند. ممکن است در فرمت غیرادبی جواب ندهد. همان‌طور که به عنوان مثال نمی‌توان انتظار داشت که یک استندآپ کمدی موفق حتماً بازیگر خوبی هم باشد یا بالعکس. این یک ور ماجراست که پروسه شخصی است و آن ور ماجرا سفرashi نبودن آثار اقتباسی است؛ کارعشی است که یک سازمان یا ارگان برای تأمین مالیحتیاج محتوایی‌اش ۱۰ مجموعه ادبی را برای اقتباس سینمایی مشخص کند، چرا که وقتی سراغش بروی می‌بینی که جاهای خالی بسیاری وجود دارد که باید به نحوی آن را پر کنی، خب این دیگر چه اقتباسی است. از سوی دیگر سرمایه‌گذارها و تهیه‌کننده‌ها حاضر به ریسک نیستند. خوشبختانه این جسارت اولیه راجع به «بی همه چیز» وجود داشت. بی‌تعارف مهمترین دلیلش شخصیت محسن است. براساس پیشینه و مدیریت ارتباطی‌اش کار کند. جای خوشحالی است اگر امروز سرمایه‌گذار از دیدن نتیجه کار راضی است. باید آدم‌های جسوری بیایند و اتفاق‌هایی از این دست بیشتر رخ بدهد.

■ موافقم. سینمای ما در چرخه تولید سالانه بی‌رونی است و تولید تجربه‌های این چنین متفاوت و پذیرش و استقبال از آن اتفاق خوبی است، در راستای تجربه خود شما بهرام توکلی هم این فضا را در «اینجا بدون من» و «بیگانه» تجربه کرد البته به عقیده من در «بیگانه» فضایی تئاتری بر سینما غالب بود. وقتی یک متن نمایشی شناخته شده را انتخاب می‌کنی اقتضا می‌کند که لااقل دربرگردان سینمایی آن به مدیوم و اصول و مبانی این حوزه وفادار بمانی سرمایه‌گذار از دیدن نتیجه کار راضی است. باید آدم‌های جسوری بیایند و اتفاق‌هایی از این دست بیشتر رخ بدهد.

داده شود.  
■ هدف من رفع همین سو، تفاهم‌هاست. فیلم شما بقدری از جنبه‌های ارزشمند برخوردار است که حیفا است اسیر فضای مسموم ایجاد شده در برخی اظهارنظرها شود؛ با مرور اجمالی بر نگاره مردم‌شناسانه در سینما به سال ۵۱ می‌رسیم که مسعود کیمیایی «خاک» را می‌سازد. نوع مواجهه‌اش با «اوسه بابا سحان» محمود دولت‌آبادی نگاه بدبینانه نسبت به توده عامی است که ناظر هستند و هر کسی برای ترک تازی خود می‌تواند از آنها بهره‌برداری کند؛ در یک خوش‌بینی تاریخی همین آدم از آن نگاه بدبینانه فیلم «خاک» به «سفر سنگ» می‌رسد که نگاهش کنش‌مندتر شده است. اینکه جامعه ما در سیر تاریخی جاهایی بیش از حد منفعل و ناکارآمد بوده و برخی اوقات وجه المصلحه قرار گرفته قابل کتمان نیست. سؤال من این است که طیف روشنفکر چقدر می‌تواند در جهت تغییر این فضا مؤثر باشد. اهمیت و جایگاه راهبری طیف روشنفکر در جهت دادن به این افکار مشخص شود تا شاید کمتر کاسه کوزه‌ها بر سر توده عام شکسته شود. اشکالی ندارد و خوب است اگر فیلم «بی همه چیز» تحلیل جامعه‌شناختی داشته باشد اما سؤال این است که آیا این انصاف نسبت به داوری توده مردم رعایت شده است.

قزایی: شما به دلایل درستی می‌توانید بگویید این انصاف رعایت نشده و من هم ممکن است بگویم اما قبول داشته باشید که این نگاه ماحصل پرداختن به ماجرا از یک زاویه دید است و بستگی به جای دوربین دارد. ممکن است شما جامعه را از این نقطه و به این شکل ببینید. ممکن است دوربین را آن‌ور صورت مردم بگذارید و از نگاه دیگری ماجرا را ببینید. هر دو اینها می‌تواند درست باشد. درپچه ورود به بحث من از این جمله شماس‌ت که کاسه کوزه‌ها سر مردم شکسته نشود. کاسه کوزه سر مردم در انتها هم شکسته نمی‌شود. مشکل اصلی «امیر» است. امیر در گذشته مسأله‌ساز شده است، زمانی که او آن خطا را مرتکب شده مردم که نبوده‌اند، در مقام دوم زنی وارد قصه شده و مشکل دوم را به وجود آورده است. دنبال فرستی برای انتقام است. در واقع این‌طور نیست که بگویم آدم‌های مهم و تأثیرگذار مشکلی ندارند و فقط مردم هستند که اسباب این مسائل را فراهم می‌کنند. در فیلم من این نگاه وجود ندارد.

■ بله یک نیاشناسی تاریخی دارد. قزایی: بله دارد راجع به تاریخ حرف می‌زند. تلنگری است برای مراقبت.  
■ من قبول دارم این تلنگر باید زده شود. به عنوان یک تهیه‌کننده عادی علاقه‌مند به سینمای دهه ۴۰، به این باور رسیده‌ام که برای عبور از بحران و رسیدن به شرایط بهتر نسل‌های بعدی می‌توانند ارائه طریق بدهند. هر کسی از یک منظر از طریق اثر خودش می‌تواند پیشنه‌های داشته باشد. آنچه درباره دهه شصتی‌ها کم‌کم دارد به حضور تجمع یافته تبدیل می‌شود تغییری است که می‌خواهند نسبت به گستره

## محمد داوودی:

کار عبثی است که یک سازمان یا ارگان برای تأمین مالیحتیاج محتوایی‌اش ۱۰ مجموعه ادبی را برای اقتباس سینمایی مشخص کند، چرا که وقتی سراغش بروی می‌بینی که جاهای خالی بسیاری وجود دارد که باید به نحوی آن را پر کنی، خب این دیگر چه اقتباسی است. از سوی دیگر سرمایه‌گذارها و تهیه‌کننده‌ها حاضر به ریسک نیستند. خوشبختانه این جسارت اولیه راجع به «بی همه چیز» وجود داشت. بی‌تعارف مهمترین دلیلش شخصیت محسن است. براساس پیشینه و مدیریت ارتباطی‌اش توانست سرمایه‌گذار را راضی به انجام کار کند.

سینمای اجتماعی داشته باشند، از کلیشه‌ها و اصول و قواعد پافراست بگردند و به بیان و نگاه ساختارشکن برسند و مفاهیم را عوض کنند. این مفاهیم می‌تواند در مقوله قهرمان باشد که بهرام توکلی در «تختی» این کار را می‌کند. رضا درمیشیان تعریف دیگری از سینمای اجتماعی می‌دهد و بموقع ژورنالیستی برخورد می‌کند و با «لنوری» زیبایی‌شناسی خاصی ارائه می‌کند. نسل

نمی‌شویم به اینکه نمادپردازی می‌کنید؟  
■ در عین حال من معتقدم شما ضمن آسیب‌شناسی اجتماعی نسبت به مسائلی که در این سیر تاریخی دامنگیر جامعه ما بوده تذکرات آیین‌نامه‌ای می‌دهید بخصوص در شیوه‌دیالوگ‌نویسی. قزایی: بله کاملاً موضوعیت دارد. همان درس گرفتن است.  
داودی: قطعاً زخمی هستیم. اساساً اگر جراحی بر جان مان ننشسته باشد حاضر نمی‌شویم که در این وضعیت بحرانی اقتصادی بنشینیم و بنویسیم. بدون درد نوشتن به درد طاقچه می‌خورد.  
■ همین جمله دورنما گویای آن است که چقدر جامعه سونیس زمینه انطباق با ما را دارد: «همه ادعا می‌کنند گناهکار نیستند. تمام حوادث بدون اینکه شخص بخصوصی خواسته باشد اتفاق می‌افتد. هیچ کدام از ما گناهکار نیستیم. ما فقط فرزندان پدرانمان هستیم و این گناه ما نیست. دنیا ما را به ورطه عجیب و مسخره‌ای کشانده است.» همین جمله با نگاه شما در فیلم به نوعی تطابق دارد.

قزایی: شاید داستان ایده این متن برایتان جالب باشد. دورنما در مصاحبه‌ای در پاسخ به چگونگی شکل گرفتن این ایده گفته است: همیشه از محل کارم که جایی در سوئیس بود با قطار به نقطه‌ای در آلمان می‌رفتم. ایستگاه‌هایی وجود داشت. قطار می‌ایستاد و مسافران را سوار و پیاده می‌کرد. روستاهایی هم ایستگاه نداشت. با خودم گفتم اگر کسی در یکی از این روستاها ترمز اضطراری قطار را بکشد چه کاری می‌تواند در این روستا داشته باشد. همیشه سؤال است که درام را به وجود می‌آورد. این سؤال، سؤال کلیدی بود که من هم در نقطه ابتدایی از خودم پرسیدم. اینکه اگر من بودم چه می‌کردم. در واقع هسته اولیه روایت قصه «ملاقات بانوی سالخورده» در «بی همه چیز» همین بود که این موقعیت می‌تواند به معناهای دیگر در زندگی هر کسی پیش بیاید. دوست داشتم مخاطب به این سؤال برسد که اگر تو بودی اگر من بودم چه می‌کردیم.

■ در روند مکتوب فیلمنامه چقدر به این فکر کردید که در حین قصه‌پردازی در قالب دلبسته و استعاره به برخی مسائل بپردازید که تراجم هم ایجاد نکند. اگر بخواهم به مصادیق اشاره کنم در یک نماکلاغی جلوی قاب است و در پس زمینه همه طیف جامعه روستایی حضور دارد یا اینسرتی که از صحنه ورود لی‌لی می‌گیرد و کشش‌اش را روی خون گاو ذبح شده می‌گذارد و در قرینه‌پردازی بعدی همین اینسرت را از دختر امیری می‌گیرد؛ از همان ایام نگارش به این جنس نمایشی فکر کرده بودید یا در اجرا اتفاق افتاد.

داودی: از آنجایی که آقای قزایی هم فیلمنامه‌نویس است و هم کارگردان می‌شود همه اینها را به حساب فیلمنامه گذاشت. من به نفع خودم صحبت می‌کنم. اما اگر قرار باشد راجع به این مصادیق یک به یک حرف بزنم کلاغ در اجرا گرفته شد. خون و این مضمون که دختر امیر تداعی‌کننده تداوم وضعیت لی‌لی است مال فیلمنامه است. ممکن است در شیوه و اجرا روی آن تأکید بیشتری شده باشد. راجع به نمادپردازی و سمبل باید با تأکید بگویم که اصلاً به این مسائل فکر نکردیم. قزایی: اصلاً در سلیقه ما نیست و خوشمان نمی‌آید. اگر چیزی هست در ذات و کنه اثر وجود دارد.

■ اما با انتخاب قاب‌بندی‌تان طبیعی است که من مخاطب را کنجکاو کنید. وقتی در طولیه کمی جلوتر ملخ می‌رادر معرض دید من قرار می‌دهید و کم کم این ملخ به موتیف تبدیل می‌شود، یک جاور چه‌ها آن را احاطه کردند و جای دیگر جامعه روستایی ملخ زده شده و باید سم‌پاشی شود. این خود به خود شرایطی ایجاد می‌کند که من نسبت به قصه بیان تأویل گونه هم داشته باشم. خیلی آستره که نگاه نمی‌کنم.

داودی: نه. اصلاً بحث این حرف‌ها نیست قبول کنید این نگاه تبدیل به عادت شده است. به محض اینکه فیلم به یک دوره تاریخی می‌پردازد، این برداشت می‌شود که لاید می‌خواستند راجع به الان حرف بزنند

نیوانسته‌اند برده‌اند به ماقبل انقلاب و همه چیز تبدیل به نماد شده است. این نگاه را اصلاً قبول ندارم. ما یک دلیل منطقی برای روایت داستان در قیل از انقلاب داریم و آن هم این است که یک نهاد متمرکز برای کنترل و رسیدگی در روستا وجود ندارد. یک نفر می‌تواند با یک سند معدن به روستا بیاید و حکم کشتن یک نفر را بدهد. روایت این قصه در تاریخ امروز که امکان پذیر نیست. این همه رسانه وجود دارد و اخبارش همه جا گزارش می‌شود. معنا ندارد. باز هم تأکید می‌کنم عادت کرده‌ایم برداشت سیاسی کنیم. امروز اگر از تاریخ بیهقی هم اقتباس کنیم همه احساس می‌کنند لاید دنبال نماد و سمبل‌سازی بوده‌ایم. «تاریخ بیهقی» که مال هزار سال پیش است. اگر از «رستم التواریخ» اقتباس کنیم آیا محکوم

■ در مورد کستینگ بازیگران توضیح دهید. چطور به این مجموعه رسیدید. آیا هدیه تهرانی و پرویز پرستویی جزو انتخاب‌های اول‌تان بود. قزایی: خیلی خوش شانس بودم که این تعداد بازیگر همه جزو انتخاب‌های اول بودند بجز دو بازیگری که یکی به دلیل شرایط کرونا و طولانی شدن پروسه تولید همکاری با او میسر نشد و دیگری به خاطر عدم توافق در مراحل سال پیش کرد و در پروسه تولید از گروه جدا شد.

■ روزی روزگاری آبادان  
■ نویسنده و کارگردان: حمیدرضا آذرنگ  
■ بازیگران: فاطمه معتمدآریا، محسن تاننده، الهام شفیعی، هیراد آذرنگ، سهیل دانش اشراقی و امیرحسین ابراهیمی  
■ خلاصه داستان: خانواده پنج نفره مصیب در آخرین روز سال، مشغول خرید شب عید هستند. اما به دلیل اعتیاد پدر خانواده کشمکش میان آن‌ها درمی‌گیرد.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آفریقا ساعت ۱۲، تماشا ۱ ساعت ۱۵، سپیده ساعت ۱۸، گردیس کوروش (گردیس سینما، لاله‌زار، خورشید) ساعت ۱۴:۳۰، قدس ساعت ۱۲، هدیش مال (۱-۳) ساعت ۱۸، پرستو (دموند) ساعت ۱۸

## روشن

■ نویسنده و کارگردان: روح‌الله حجازی  
■ بازیگران: رضا عطاران، سیامک انصاری، سارا بهرامی، مهدی حسینی‌نیا، ابراهیم عزیزی، مسعود میرطاهری، محمد ولی‌زادگان، علی رحیمی، سید علیرضا میرسالاری و با معرفی نازنین سهامی‌زاده و بازیگر خردسال سرگل لواسانی  
■ خلاصه داستان: روشن مرد ساده‌دلی است که دلش می‌خواهد بازیگر سینما شود. اما مصایب دیگری سر راهش وجود دارد؛ مثل خانه‌ای که ثبت نام کرده و تحویلش نمی‌دهند.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آفریقا ساعت ۱۵، تماشا ۱ ساعت ۱۸، سروش (۱-۲) ساعت ۱۲، پردیس کوروش (گردیس سینما، لاله‌زار، خورشید) ساعت ۱۷:۳۰، قدس ساعت ۱۵، نارسیس (۱-۲) ساعت ۱۲، پرستو (دموند) ساعت ۱۵

## ابلق

■ نویسنده و کارگردان: ترگس آبیار  
■ بازیگران: بهرام رادان، الناز شاکردوست، هوتن شکیبا، بهرام احمدی، گلاره عباسی، گیتی معینی، امین میری و الهه اذکاری  
■ خلاصه داستان: برای یک زن که در حاشیه شهری بزرگ با همسر و فرزندش زندگی می‌کند، ماجرابی رقم می‌خورد تا همچنان بتواند کباب خانواده را حفظ کند.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آفریقا ساعت ۱۸، تیرازه ۲ (۱-۲) ساعت ۱۲، سروش (۱-۲) ساعت ۱۵، کوروش (فارس، مایاک، نادر) ساعت ۱۴:۳۰، قدس ساعت ۱۸، نارسیس (۱-۲) ساعت ۱۵، شمیران سنتر (۴) تارنجی (۲) قرم ساعت ۱۵

## مامان

■ نویسنده و کارگردان: آرش انبسی  
■ بازیگران: رویا افشار، امیر نوروزی، عرفان ابراهیمی، امیر شمس، شقایق شویان، اسماعیل شفیعی، ندا اسدی، یونه بارسایی و مرتضی علی عباس میرزایی  
■ خلاصه داستان: «مامان» با وجود جدایی از شوهرش، هنوز برای خواهر و برادرهای او همان «نانسی» دختر آبادانی با کلاس و دوست داشتنی، اما برای پسرهایش یک پیرزن بد اخلاق، غرغرو و عصبی است که با تاکسی خود، مسافر کشی می‌کند.  
■ سینماهای نمایش دهنده: استقلال ساعت ۱۲، تیرازه ۲ (۱-۲) ساعت ۱۵، سروش (۱-۲) ساعت ۱۸، کوروش (فارس، مایاک، نادر) ساعت ۱۵، کیان (۱-۲) ساعت ۱۲، نارسیس (۱-۲) ساعت ۱۸، شمیران سنتر (۴) تارنجی (۲) قرم ساعت ۱۵

## ستاره بازی

■ نویسنده و کارگردان: هاتف علیمردانی  
■ بازیگران: فرهاد اصلانی، ملیسا ذاکری، مارشال منس، هستی جواد، مایکل مدسن، علی مصفا و شبنم مقدمی  
■ خلاصه داستان: صبا به همراه خانواده‌اش به امریکا مهاجرت می‌کند به امید آنکه معجزه‌ای رخ دهد و سرطانش درمان شود.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۲، استقلال ساعت ۱۵، تیرازه ۲ (۱-۲) ساعت ۱۸، شکوفه ساعت ۱۲، کوروش (فارس، مایاک، نادر) ساعت ۱۸، کیان ۱ ساعت ۱۵، فجر اسلامشهر ساعت ۱۸

## بی همه چیز

■ کارگردان: محسن قزایی  
■ نویسنده: محسن قزایی و محمد داوودی  
■ بازیگران: پرویز پرستویی، هدیه تهرانی، باران کوثری، هادی حجازی‌فر، پدرام شریفی، لاله مرزبان، بابک کریمی، مهتاب نصیرپور، فرید سجادی حسینی، زهیر یاری، عیسی یوسفی پور، خوروشپسینی و مهدی صباغی  
■ خلاصه داستان: روستایی دو افتاده سال‌هاست که رونق پیشین را ندارد. ساکنان یا کوچ اجباری کرده‌اند یا اگر مانده‌اند در فقر و بدبختی به سر می‌برند. روستا اما مهمانی دارد که خود در همین جا متولد شده و از کوچش ۲۰ سالی می‌گذرد، او متومل است و اهالی در خیال اینکه او آمده و روستا را از این فلاکت نجات دهد رویا پردازی می‌کنند.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۵، استقلال ساعت ۱۸، جوان (ساعت ۱۲، چارسو (۱-۴) ساعت ۱۱:۳۰، شکوفه ساعت ۱۵، کیان ۱ ساعت ۱۸، هروی سنتر ۱ ساعت ۱۲، فجر اسلامشهر ساعت ۱۵

## خلف فرضی

■ نویسنده و کارگردان: فرنوش صمدی  
■ بازیگران: سحر دولتشاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی، آریتا حاجیان، صدف عسکری، امیررضا رنجبران، نوید بانی و کنایون سالکی  
■ خلاصه داستان: سارا به همراه همسرش حامد و دختر خردسال‌شان به یک عروسی در شمال ایران دعوت شده‌اند، اما حامد به دلیل مشکلات کاری نمی‌تواند به این سفر برود و این سر آغاز اتفاقی است که زندگی سارا را دگرگون می‌کند.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۸، پرديس ایران مال (۱-۲-۸) ساعت ۱۲، جوان (ساعت ۱۸، چارسو (۱-۴) ساعت ۱۴:۳۰، شکوفه ساعت ۱۸، ماندانا ۱ ساعت ۱۲، هروی سنتر ۱ ساعت ۱۵، فرهنگ رباط کریم ساعت ۱۸

## منصور

■ نویسنده و کارگردان: سیاوش سرمدی  
■ بازیگران: محسن قصابیان، حمیدرضا نعیمی، علیرضا زمانی‌نسب، سیدجواد هاشمی، قاسم زارع و لیندا کبابی  
■ خلاصه داستان: شهید ستاری به کمک همراهان صدیق و با اعتمادش، پایه‌های تولید هواپیماهای جنگی را بنا می‌کند که بعدها این نوع هواپیماها با نام‌های آذرخش و صاعقه شناخته می‌شوند.  
■ سینماهای نمایش دهنده: آزادی (شهر فرنگ، شهر قصه) ساعت ۱۱:۳۰، پردیس ایران مال (۲-۸-۱۰) ساعت ۱۵، جوان ۱ ساعت ۱۸، چارسو (۱-۴) ساعت ۱۲، ماندانا ۱ ساعت ۱۲، هروی سنتر ۱ ساعت ۱۵، فرهنگ رباط کریم ساعت ۱۵